

پردیس‌ها و مراکز آموزش عالی دانشگاه فرهنگیان

دانشگاه فرهنگیان ۹۸ پردیس و مرکز آموزش عالی را در سراسر کشور به شرح زیر تحت پوشش خود دارد:



زنجان

- ۵۱. پردیس شهید بهشتی، زنجان
- ۵۲. پردیس الزهرا (س)، زنجان

سمنان

- ۵۳. پردیس شهید رجایی، سمنان
- ۵۴. پردیس الزهرا (س)، سمنان

سیستان و بلوچستان

- ۵۵. پردیس شهید مطهری، زاهدان
- ۵۶. مرکز آموزش عالی شهید حسینی طباطبایی، زاهدان
- ۵۷. پردیس رسالت، زاهدان

فارس

- ۵۸. پردیس شهید رجایی، شیراز
- ۵۹. مرکز آموزش عالی سلمان فارسی، فارس
- ۶۰. مرکز آموزش عالی شهید بهشتی، اقلید
- ۶۱. مرکز آموزش عالی شهید مطهری، شیراز
- ۶۲. پردیس شهید باهنر، شیراز
- ۶۳. مرکز آموزش عالی زینب کبری (س)، شیراز

قزوین

- ۶۴. پردیس شهید رجایی، قزوین
- ۶۵. پردیس بنت‌الهدی صدر، قزوین

قم

- ۶۶. پردیس آیت‌الله طالقانی، قم
- ۶۷. مرکز آموزش عالی شهید مدنی، قم
- ۶۸. پردیس حضرت معصومه (س)، قم

کردستان

- ۶۹. پردیس شهید مدرس، سنندج
- ۷۰. پردیس بنت‌الهدی صدر، سنندج

گلستان

- ۷۷. پردیس آیت‌الله خامنه‌ای، گرگان
- ۷۸. مرکز آموزش عالی شهید بهشتی، گنبد کاووس
- ۷۹. پردیس امام خمینی (ره)، گرگان

کیلان

- ۸۰. پردیس امام علی (ع)، رشت
- ۸۱. پردیس بنت‌الهدی صدر، رشت

لرستان

- ۸۲. پردیس آیت‌الله کمالوند، خرم‌آباد
- ۸۳. مرکز آموزش عالی شهید میرشاک، الیگودرز
- ۸۴. مرکز آموزش عالی زینب کبری (س)، بروجرد
- ۸۵. پردیس علامه طباطبایی، خرم‌آباد

کرمان

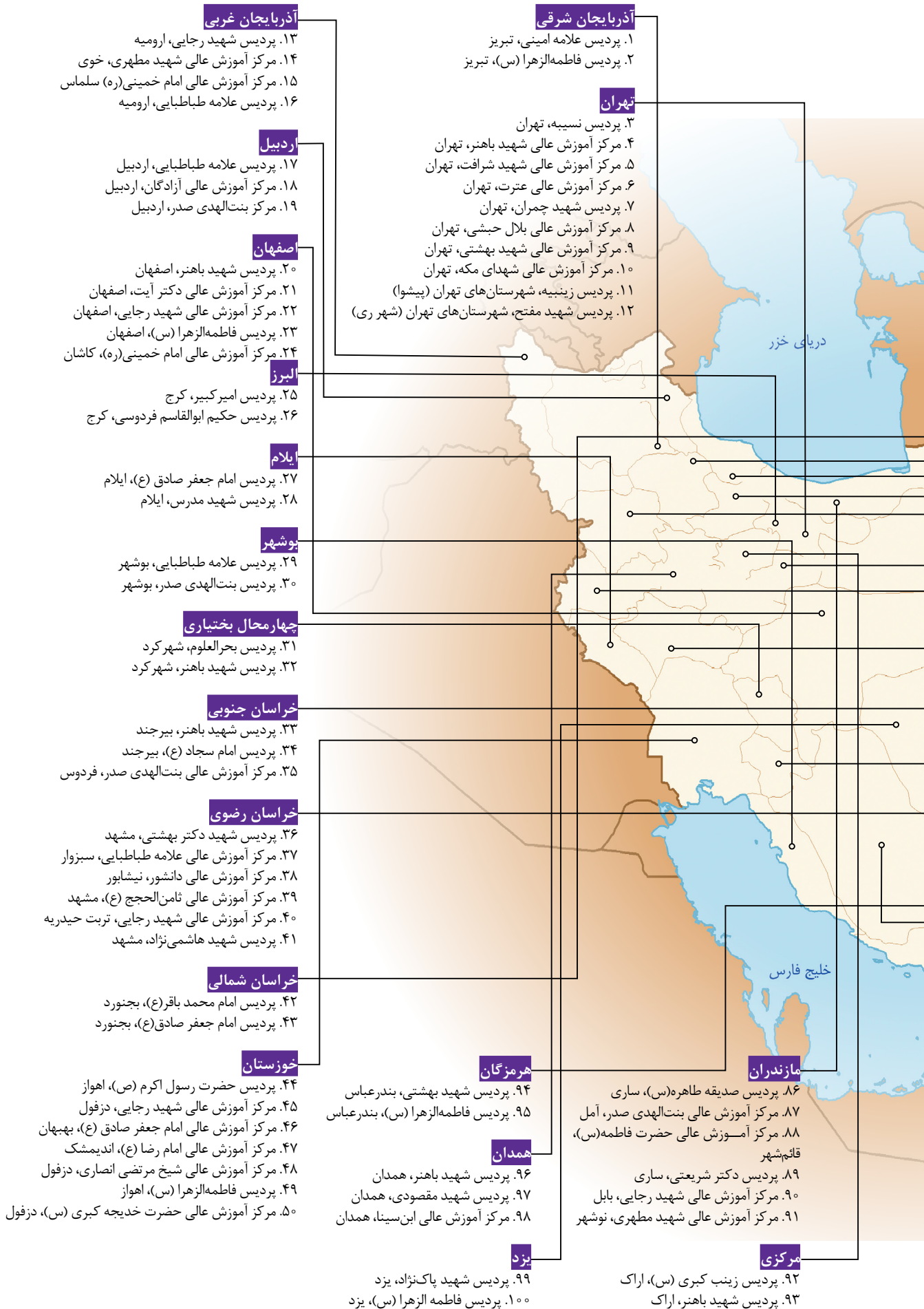
- ۷۱. پردیس خواجه نصیرالدین طوسی، کرمان
- ۷۲. پردیس شهید باهنر، کرمان

کرمانشاه

- ۷۳. پردیس شهید رجایی، کرمانشاه
- ۷۴. پردیس شهید صدوقی، کرمانشاه

کهگیلویه و بویراحمد

- ۷۵. پردیس شهید ایزدپناه، یاسوج
- ۷۶. پردیس کوثر، یاسوج



چگونه معلمی را یاد بگیریم؟!

مهدیه مقدم، دانشجوی دانشگاه فرهنگیان

آینده انجام شود. یک هفته زمان، بدون هیچ گونه راهنمایی یا توصیه‌ای از جانب او. ضمن اینکه قاطعانه گفت: همه کارها را باید خودتان با هم انجام دهید تا من کار گروهی، نظافت و نظم‌تان را بسنجم؛ و ما این کار را انجام دادیم. در یک روز معین، هر ۳ کلاس با نظمی فوق‌العاده و برنامه‌ریزی‌های دقیق و بی‌نقص نمایشگاه را برگزار کردیم. هیچ‌کس حتی خودمان هم باور نمی‌کردیم که توانایی انجام این کار را داشته باشیم؛ اما شاید اعتماد استاد به ما و سخت‌گیری او، استعدادها و توانایی‌های ما را شکوفا کرد و شجاعت انجام این کار را در ما به وجود آورد.

در آخرهای ترم پروژه پنجم هم آغاز شد. در دسرهای کار گروهی....

باید یک مکان آموزشی اردویی در تهران پیدا می‌کردیم و همه کارهای یک اردوی مدرسه را در آن انجام می‌دادیم. از ارتباط مکان با دروس علوم تا نحوه دسترسی با مترو، اتوبوس و ماشین شخصی. حتی به مسائلی مثل: طراحی رضایت‌نامه اولیا، تعداد والدین مورد نیاز برای همکاری، نوع اداره دانش‌آموزان، سؤالاتی که در اتوبوس از دانش‌آموزان می‌پرسیم و ... هم پرداخته بودیم.

بعد از آن فقط یک پروژه دیگر باقی می‌ماند و آن هم ارائه کار اول بود که حقیقتاً نسبت به کارهای دیگر آسان‌تر بود. ترم که به پایان رسید، همه‌مان دیگر کابوس علوم می‌دیدیم و خستگی وصف ناپذیری داشتیم؛ اما یک حس جدید هم درونمان بود: من از این ترم به بعد می‌توانم علوم درس بدهم و همه این سختی کشیدن‌ها ارزش داشت.

حس مفید بودن، در تهیه آن همه پروژه، حس مشترک همه ما بود. با تشکر از استادانی که با هوشمندی و دلسوزی تمام برای ساخت معلمان آینده برنامه‌ریزی می‌کنند.

دقایقی سکوت در کلاس حاکم شد. همه مات و متحیر به تخته خیره شده بودیم. تلفیق دو حس هیجان‌زدگی- نگرانی! حقیقتاً تکالیف جالبی بودند. ساخت یک وسیله یا پیدا کردن یک جای آموزشی در شهر تهران می‌توانست قبل از اینکه یک پروژه دانشگاهی باشد یک تفریح به حساب بیاید.

اما از طرف دیگر این ترم بهمن ماه بود؛ مگر چه قدر زمان داشتیم؟ تازه اگر سخت‌گیری‌های استاد در نمره دادن را در نظر نمی‌گرفتیم. ما ۴۰ نفر بودیم.

کی قرار بود همه این‌ها انجام بشود؟ خیلی زود کارها شروع شد. کار اول که اختیاری بود شرایط خودش را داشت. پیدا کردن مدرسه، یک مدیر که راه بیاید و از این‌گونه فعالیت‌ها حمایت کند، مکان و زمان رفت و آمد و ...

در تدارک کار اول بودیم که کار دوم هم کلید خورد: زمان محدود ۲۰ دقیقه‌ای و مطالب گسترده‌ای که باید بیان می‌کردیم. هر کاری از دستان برمی‌آمد انجام دادیم. مثل مسابقه دوی ماران بود که کیفیت کارها هر روز بهتر و رقابت‌ها سخت‌تر می‌شد. خلاقیت هم به کارمان آمده بود. هر کس با ایده‌ای جدید می‌آمد و سعی می‌کرد درس خودش را به خوبی تدریس کند. هر چیزی را که به ذهن‌مان می‌رسید سر کلاس می‌آوردیم.

بعد از عید کار سوم موازی با کار دوم شروع شد. شب و روزمان شده بود علوم و گشت‌وگذار توی اینترنت و کتاب‌ها و ایده‌های ساخت ماکت و مدل و پوستر و ... باید اشاره کنم که استدلال استاد برای غیرالکترونیکی بودن رسانه‌ها این بود که بسیاری از مدارس ایران در کلاس‌ها پروژکتور ندارند و ما باید بیاموزیم در هر شرایطی با بهترین کیفیت تدریس کنیم. به اواسط ترم رسیده بودیم که موج شدید خستگی به همه ما هجوم آورد. در همان موقع استاد گفت کار نمایشگاه باید هفته

یک دانشجو معلم چه طور می‌تواند بدون اینکه برود سر کلاس و آزمون و خطا انجام بدهد، معلمی یاد بگیرد؟ بیا ببینیم به معلمی مثل یک مهارت نگاه کنیم. این مهارت را از چه راهی می‌توان کسب کرد؟

این سؤالی بود که ذهن مرا شدیداً درگیر خودش کرده بود و شاید دلیل اصلی‌اش هم نظری بودن بیش از حد کلاس‌های دانشگاه فرهنگیان بود.

یک لحظه خودتان را جای من بگذارید؛ یک دانشجو معلم که ترم دوم‌اش را تمام کرده و احساس می‌کند هنوز چیز مفیدی نیاموخته است. بهتر است بگویم توقع من بیش از این حرف‌ها بود. همین دلیل من و ۱۱۹ نفر دیگر از دانشجویان فرهنگیان بود که در ترم سوم با یکی از سخت‌گیرترین استادان دانشگاه کلاس برداشتیم با هدف اینکه شاید چیزی یاد بگیریم، اما هیچ‌وقت نمی‌توانستیم تصور کنیم که چه ماجرای در انتظار ما است. هفته اول بود و تقریباً هیچ‌کدام از کلاس‌ها تشکیل نمی‌شد؛ اما باورتان نمی‌شود که کلاس ایشان با ۳۶ نفر دانشجو از ۴۰ نفر تشکیل شد! باید اضافه کنم؛ تازه آن ۴ نفر هم مشکل شخصی داشتند نه اینکه نخواسته باشند بیایند. دو کلاس دیگر استاد هم همین وضع را داشتند.

در همان روز اول استاد برنامه کامل ترم را روی تخته نوشت:

۱. ارائه یک گزارش از ۴ جلسه مشاهده کلاس علوم یک مدرسه (امتیازی - اختیاری)
۲. ارائه نحوه تدریس یکی از دروس علوم دبستان (دروس مهم‌تر و سخت)
۳. ساخت یک رسانه غیرالکترونیکی برای درس تدریس شده
۴. برگزاری نمایشگاه رسانه‌های غیرالکترونیکی آموزش علوم دبستان (گروهی - کل کلاس)
۵. طراحی یک اردوی آموزشی (گروهی - سه نفره)

تنور تربیت معلم

گفت و گو با صغری ملکی، مدرس پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان کرج

گفت و گو از: نصرالله دادار

عکاس: اعظم لاریجانی

صغری ملکی مدرس دانشگاه فرهنگیان در پردیس‌های امیرکبیر و حکیم فردوسی کرج است. او در سال ۱۳۵۲ در شهریار متولد شده و از سال ۱۳۷۰ به عنوان معلم دوره ابتدایی به آموزش و پرورش راه یافته است. دارای مدرک کارشناسی در رشته آموزش ابتدایی، کارشناسی ارشد در رشته علوم تربیتی با گرایش تکنولوژی آموزشی و دانشجوی دکترای علوم تربیتی با گرایش برنامه‌ریزی درسی است. با ایشان گفت و گویی در زمینه چشم‌انداز دانشگاه فرهنگیان انجام داده‌ایم که متن آن را در ادامه می‌خوانید:

«خانم ملکی! تشکر می‌کنیم که گفت و گو با مجله رشد معلم را پذیرفتید. لطفاً بفرمایید شما در پردیس‌های کرج، چه درس یا واحدی را تدریس می‌کنید و چرا؟ من کارورزی تدریس می‌کنم. دلیل آن هم این است که وقتی سوابق علمی و کاری‌ام را به پردیس دانشگاه دادم، ابتدا گفتند پنج ساعت درس تکنولوژی آموزشی را به شما اختصاص داده‌ایم؛ چون می‌دانستند که من در نرم‌افزارها هم تخصص دارم. اما خودم چون در دوره دکتری، شاگرد آقای دکتر مهرمحمدی بودم و مرتب مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های ایشان را می‌خواندم یا گوش می‌کردم و در کلاس هم با افکار ایشان آشنا بودم و ایشان روی درس کارورزی در تربیت معلم خیلی تأکید می‌کرد، تحت تأثیر ایشان درس کارورزی را انتخاب کردم. آقای دکتر مهرمحمدی همیشه می‌گفت: کارورزی مادر تربیت‌معلم است. البته تعبیر دیگری هم ایشان داشت و می‌گفت: «کارورزی پاشنه‌آشیل تربیت‌معلم»





واحد یادگیری، طراحی یک درس، طراحی تحلیل محتوای یک درس را به بچه‌ها یاد بدهیم و آن‌ها بروند و تمام این موارد را در کارورزی تمرین کنند.

و اما نگاه دوم این است که می‌گوید اصلاً موقعیت‌های کلاس تکنیک‌پذیر نیستند! درست است که تکنیک‌ها می‌توانند به معلم کمک کنند، مثلاً اگر من، به عنوان یک معلم، انواع و اقسام تکنیک‌ها را بلد باشم بتوانم معلم خوبی باشم. اما این نگاه می‌گوید اساساً موقعیت‌ها در کلاس موقعیت‌های پیچیده‌ای هستند و این طور نیست که من با دانستن این تکنیک بتوانم بروم در آن کلاس و به راحتی تدریس کنم. در هر کلاس درسی موقعیت‌هایی نامعین وجود دارد که این‌ها از پیش تعیین شده نیستند تا من با دستیابی به انواع تکنیک‌ها بتوانم وارد آن موقعیت‌ها بشوم و جواب بگیرم. چون در دنیای عمل هر موقعیتی پیچیدگی‌های خاص خودش را دارد. بنابراین، اینکه ما به دانشجومعلمان تکنیک‌هایی را یاد بدهیم و بخواهیم آن‌ها بروند در

اول می‌بینند و بعد می‌روند یک مشت امضا از مدرسه جمع می‌کنند و در جلسه آخر امضاها را می‌آورند و به استاد می‌دهند که ما مدرسه رفتیم! اصلاً کارورزی‌ای وجود ندارد. اما کارورزی در دانشگاه فرهنگیان بسیار جدی برگزار می‌شود. یعنی کارورزی دانشگاه فرهنگیان در حد حرف نیست و واقعاً روی دوره‌های کارورزی کار می‌شود.

◀ نظر شما درباره سرفصل‌های درس کارورزی چیست؟

سرفصل‌های این درس سخت و سخت است. مخصوصاً برای من که با بخش نظری کارورزی و تربیت «معلم فکور» آشنا هستم. یک مدرس دانشگاه تربیت معلم خودش باید مدرس فکوری باشد. اما اگر ما مدرس فکور می‌خواهیم، باید برنامه‌ها پذیرای چنین مدرسی باشد و آزادی عمل را به او بدهد. هیچ فکر و تأملی در فضای فشار و اجبار شکل نمی‌گیرد. سرفصل‌های کارورزی آن قدر محکم و غیر منعطف بسته شده که حتی نحوه گزارش نویسی دانشجومعلم را فهرست می‌کند و می‌گوید این، این، این باید در آن باشد. یعنی سرفصل‌ها هم محکم‌اند و هم دقیق نیستند.

◀ کارورزی آیا در سطح تربیت‌های معلم جهان هم وجود دارد؟

بله! به‌طور کلی در کارورزی‌های کشورهای جهان دو نگاه دیده می‌شود: نگاه اول این است که در کارورزی تکنیک را یاد بدهیم و دانشجویان بروند تمرین کنند. یعنی هر بار که یک تکنیک را یاد می‌گیرند، بروند و آن تکنیک را تمرین کنند و دست آخر به افرادی تبدیل شوند که روش تدریس فلان را بلدند یا روش تدریس بهمان را بلدند. تعلیم محتوا را بلدند و از این‌ها در عمل، یعنی بعداً در مدرسه، استفاده کنند. به عنوان مثال ما بیاییم و چیزهایی مثل طراحی

است» و من همیشه از خودم سؤال می‌کردم که مگر کارورزی چیست که ایشان این همه روی آن تأکید می‌کند و می‌گوید اگر تربیت معلم از ناحیه کارورزی آسیب ببیند، باید فاتحه آن را خواند. این مسائل باعث شد که من علاقمند شوم و درس کارورزی را برای تدریس انتخاب کنم.

◀ درباره کم و کیف این درس بیشتر توضیح دهید.

روال دانشگاه تربیت معلم این گونه است که مدرس کارورزی ثابت است و در ترم‌های بعد عوض نمی‌شود. یعنی هر گروهی که به یک استاد کارورزی سپرده می‌شود تا آخر، یعنی تا پایان ترم چهارم با همان استاد کارورزی را می‌گذرانند. الان که من بچه‌های گروه خودم را در ۴ ترم کارورزی رصد کرده‌ام و به کارورزی‌هایشان توجه کرده‌ام؛ دریافت‌ام که واقعاً اگر کارورزی نباشد، یا باشد ولی بد باشد، یا اگر به هر طریقی کارورزی دچار مشکلی باشد، این دانشجویان معلم نخواهند شد. نه اینکه معلم نشوند، معلم می‌شوند ولی سال‌های اولیه کارشان، سال‌های پر زحمتی برای خودشان و دیگران خواهد شد. یعنی هویت معلم پیدا نخواهند کرد. دانشجویان ما بعد از گذراندن دوره‌های کارورزی است که کم‌کم حال و هوا و رنگ و بوی معلمی و هویت معلمی پیدا می‌کنند. به هر حال، من بعد از این بررسی فهمیدم که آن تأکیدات دکتر مهرمحمدی برای چه بود. همه این مسائل می‌تواند شواهدی باشد برای اینکه در حال حاضر یک تیم آگاه، برای کارورزی، پشت سر دانشگاه فرهنگیان است.

من در دوره فوق‌لیسانس دانشگاه خوارزمی هم تدریس می‌کنم. در آنجا کارورزی صورت دیگری دارد. در دانشگاه خوارزمی هم بچه‌های خیلی خوبی وارد می‌شوند. اما کارورزی در آن دانشگاه بدین صورت است که دانشجویان یک‌بار استاد را در جلسه



کارورزی همان‌ها را تمرین کنند تا معلم خوبی شوند خیال باطلی است. در مجموع، نگاه دوم می‌خواهد بگوید که کارورزی یک کار تکنیکی نیست و باید یک نگاه فکورانه یا تأملی به آن داشته باشیم. کلمه «تأمل» را اولین بار **جان دیویی** مطرح کرد. به این معنا وقتی شما یک تجربه‌ای را انجام دادید و از آن تجربه گذر کردید باید بیابید روی آن تأمل و فکر کنید، زیرا این تأمل باعث می‌شود که تجربه و کار بعدی شما بهتر و بهتر شود و نگاه صحیح به تدریس را همین نگاه می‌دانند. مسلماً اگر هنرمند تکنیک بداند تا حدی موفق می‌شود، اما عاملی که باعث موفقیت قطعی او می‌شود، درس گرفتن از تجربه، تأمل کردن، بازنگری در کار و از این موارد است.

◀ آیا دانشگاه فرهنگیان واقعاً نگاه دوم را دنبال می‌کند؟

بله، به‌طور کلی باید گفت که این نگاه دوم را دنبال می‌کند و تأکیدش بر این است. اما بنده می‌توانم بگویم که هنوز در عمل این اتفاق نیفتاده است و دستورالعمل‌هایی که برای

کارورزی صادر شده زیاد با این نگاه نمی‌خواند. من به‌عنوان مدرس با این سرفصل‌ها مشکل داشتم. مجبور بودم آزادی داشته باشم تا بتوانم این سرفصل‌ها را کنار بزنم چون این آن چیزی نبود که رویکرد فکورانه را دنبال کند.

منطق سرفصل‌هایی که برای کارورزی ارائه شده بود خبر از نگاه فکورانه داشت، اما قسمت‌هایی که برای اجرا به ما داده می‌شد، همگی نشان از تکنیکی داشت و من نمی‌توانستم این نگاه را هضم کنم.

◀ شما با این تناقض چه کردید؟

من با شجاعت سرفصل‌ها را کنار زدم. ترم اول خیلی جروب‌ها و مبارزه کردم، با برنامه‌ریزان در مرکز صحبت کردم. مدام می‌گفتم که این اشتباه است، اما توجهی نشد. و من وقتی دیدم نمی‌توانم آن‌ها را قانع کنم، کار خودم را ادامه دادم و پیش بردم. نه اینکه سرفصل‌ها را اجرا نکنم؛ اجرا کردم ولی آن‌ها را تعدیل کردم. جاهایی که خوب بود استفاده می‌کردم و جاهایی که می‌دیدم از تربیت «معلم فکور» و روح آن منحرف می‌شود حذف می‌کردم. چون من تربیت معلم فکور را می‌شناختم و آن را از خود آقای دکتر مهرمحمدی یاد گرفته بودم. در کلاس‌های دانشگاه عنوان درس ما نظریه‌های فکورانه بود. من این فضا را می‌شناختم و می‌دانستم وقتی باید برنامه‌ای براساس رویکرد فکورانه تولید شود چگونه است. اما در عمل، یعنی در درس کارورزی، این تناقض‌ها باعث شد که من راه خودم را پیش ببرم. البته من، به اصطلاح، چراغ خاموش حرکت کردم و در مرکز خودمان اصلاً کارم را مطرح نکردم. چون امکان داشت مشکل پیدا کنم. در عین حال، با آقای دکتر مهرمحمدی، دکتر موسی‌پور و خانم احمدی یک گروه ایمیلی داشتیم و من هر هفته روایت‌ها را از طریق ایمیل برای این گروه ارسال می‌کردم.

در این میان آقای دکتر مهرمحمدی خیلی از من حمایت می‌کردند. تأیید نمی‌کردند. بلکه می‌گفتند در کنار کار باش؛ در کنار برنامه‌ریزان باش. چون، به نظر ایشان، رابطه تدریس و برنامه‌ریزی باید یک رابطه دیالکتیکی باشد و ما باید بفهمیم که در دنیای عمل چه اتفاقاتی در حال وقوع است. برای من خیلی عجیب بود که دکتر مهرمحمدی هر هفته روایت‌های من را می‌خواند. البته دیگران هم می‌خواندند اما خوب گوش نمی‌دادند. مثلاً برنامه‌ریزان کارورزی زیر بار تغییرات نمی‌رفتند می‌خواندند ولی اعمال نمی‌کردند.

◀ چه پیشنهادی برای اصلاح برنامه و سرفصل‌های درس کارورزی دارید؟

پیشنهاد‌های من رساله دکترای من شد. همه این خودپژوهی‌هایی که انجام داده‌ام، در واقع برنامه جدیدی است که برای کارورزی می‌خواهم پیشنهاد دهم. بنابراین الان می‌توانم یک پیشنهاد کلی مطرح کنم و آن اینکه در تمام برنامه‌های تربیت معلم، اعم از کارورزی و غیرکارورزی، باید امکان آزادی مدرس در آن‌ها دیده شود و این نکته‌ای است که برای همه برنامه‌های دانشگاه فرهنگیان ضرورت دارد. در رابطه با درس کارورزی هم اولین پیشنهاد این است که برنامه‌ها و سرفصل‌های این درس به گونه‌ای طراحی شود که مدرس هم اختیار یا امکان دخل و تصرف در آن‌ها داشته باشد.

◀ شما در حال حاضر در دو پردیس از پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان مشغول کار هستید. فضای حاکم بر پردیس‌ها تا چه اندازه متناسب با تربیت معلم فکور است؟

یکی از مشکلاتی که ما، نه تنها در پردیس‌ها، بلکه در همه سازمان‌ها و ادارات کشور شاهد آن هستیم، عدم

دکتر
مهرمحمدی
سرکلاس به
ما می‌گفت:
کارورزی
ما در
تربیت معلم
است و اگر
تربیت معلم
از ناحیه
کارورزی
آسیب ببیند
باید فاتحه آن
را خواند

ارزها ت رات

اگر به من ۱۰ ساعت وقت بدهند تا درختی را ببرم، ۶ ساعت اول را صرف تیز کردن ارّه خواهم کرد.

آبراهام لینکلن

مقدمه

هر معلم تازه‌کار و البته توانمند، باید برای تدریس خود طرح درس داشته باشد و در آن به برنامه‌ریزی و سازمان دادن فعالیت‌های تدریس، با توجه به هدف‌های آموزشی، محتوای درس و توانایی‌های دانش‌آموزان برای یک زمان مشخص بپردازد. طرح درس می‌تواند به او کمک کند تا به یادگیری شکل بدهد، روش‌ها و فنون مناسب را برای تدریس درس‌های متفاوت انتخاب کند، مشکلات احتمالی پیش رو را پیش‌بینی کند، با اعتماد بیشتری در کلاس حاضر شود، به تنظیم زمان کلاس بپردازد و از ایجاد بی‌نظمی جلوگیری کند.

معلمان تازه‌کار در مراحل اولیه تدریس خود نمی‌توانند تمامی مراحل تدریس و جزئیات آن را به خاطر بسپارند، اما در نظر گرفتن موارد زیر در تهیه طرح تدریس، می‌تواند به آن‌ها کمک شایانی بکند.

کمک گرفتن از همکاران

زمان زیادی برای تهیه طرح درس صرف کنید. این کار نیازمند برنامه‌ریزی، خلاقیت و دانش موضوع درسی است. از پرسیدن نترسید. از همکاران خود در مورد استانداردها و معیارهای موضوع درس سؤال کنید. از نمونه طرح درس‌هایی که دیگران تهیه کرده‌اند کمک بگیرید. درباره طرح درس خود با معلمان دیگر صحبت کنید و درباره شیوه تهیه طرح درس‌شان سؤال نمایید.

تحلیل درس و تعیین اهداف

و انتظارات خود از دانش‌آموزان

هر درس را کاملاً تحلیل کنید. بر مهم‌ترین

همکاری گروهی برای انجام کارهاست. به نظر من، ما اساساً خوب بلد نیستیم با همدیگر کار گروهی کنیم و این یک نقطه ضعف عمومی در جامعه ماست. به‌ویژه در یک جایی مانند تربیت‌معلم که نیازمند فرهنگ فکورانه است، باید همکاری گروهی و تعامل وجود داشته باشد. اصلاً یکی از ویژگی‌های معلم فکور این است که با هم‌تایان خودش بنشیند و بحث کند و بگوید که مثلاً من این درس را این‌طور دادم و به‌نظر شما چه اشکالی دارد. یعنی معلم فکور همواره پذیرای این است که یک یا چند نفر دیگر بیایند و روش تدریس او را نقد کنند و او هم از این نقدها استقبال کند. به نظر من فرهنگ فکورانه باید از مراکز و پردیس‌ها شروع شود که در اینجا رئیس هر مرکز یا پردیس نقش مهمی در توسعه فرهنگ فکورانه دارد.

◀ حتماً اطلاع دارید که امسال اولین دوره دانشجو معلمانی که، در سال ۱۳۹۱ وارد دانشگاه فرهنگیان شده‌اند، فارغ‌التحصیل می‌شوند و به مدارس می‌روند. نظر شما درباره کیفیت فارغ‌التحصیلان دانشگاه فرهنگیان چیست؟

من شخصاً می‌توانم در مورد دانشجویان خود نظر دهم. از نظر من خروجی‌های دوره اول شاید خیلی تحول‌آفرین نباشند چرا که وقتی آن‌ها وارد دانشگاه شدند سرفصل‌ها هنوز شکل نگرفته بود. بنابراین طبیعی است که تا اندازه‌ای آسیب‌ها و نارسایی‌هایی داشته باشیم. اما من در مجموع نسبت به آینده دانشگاه فرهنگیان خوش‌بینم.

دلیل دیگری که نسبت به آینده دانشگاه فرهنگیان خوش‌بینم، این است که من خودم سال‌ها معلمی کرده‌ام و محیط عمل معلم را می‌شناسم و از برنامه‌های دانشگاه فرهنگیان هم آگاهم.

البته این برنامه‌ها در ابتدای راه است و نیاز دارد که مرتب مورد بررسی قرار گیرد و خروجی‌های دانشگاه هم رصد شوند تا آن اتفاق صددرصدی یا نزدیک به صد بیفتد. به نظر من یک تیم خوب پشت‌سر این دانشگاه است و سرفصل‌های تعیین شده برای دروس حکایت از آن دارد که یک بینش خوب دارد برنامه‌ها را هدایت می‌کند. اگرچه هنوز نواقصی در کارها دیده می‌شود.

پـزکن!

دکتر نیره شاه‌محمدی

انواع مواد آموزشی مرتبط با درس و مناسب برای دانش‌آموزان را برای شما تهیه کند. به تمامی آن‌ها برجسب بزنید. این به سازماندهی و بازیابی آن‌ها کمک می‌کند.

تعیین تکالیف مناسب برای دانش‌آموزان

انتظارات و اهداف خود را از تکالیف خانه برای دانش‌آموزان مشخص کنید. اگر آن‌ها نیاز به تمرینات بیشتری داشتند به والدین آن‌ها اطلاع دهید. اطلاعات کافی را در زمینه تکالیفی که به فرزندشان می‌دهید در اختیار آن‌ها قرار دهید. با توجه به توانایی‌های دانش‌آموزان برای آن‌ها فعالیت‌های متفاوتی در نظر بگیرید.

ارزشیابی از اهداف

و آموخته‌های دانش‌آموزان

از مجلات و کاربرگ‌ها یا پاسخ شفاهی برای ارزشیابی از آموخته‌های دانش‌آموزان استفاده کنید. در پایان درس، ایده‌ها و تفکرات دانش‌آموزان را جمع‌آوری کنید تا مطمئن شوید که آن‌ها محتوای آموزشی را آموخته‌اند. برای اتمام درس از آن‌ها بخواهید آنچه را که خوانده‌اند در سه جمله خلاصه کنند یا سؤالاتی را برای درس مورد نظر تهیه کنند: سؤالاتی که پاسخ آن‌ها مستقیماً در متن وجود دارد، سؤالاتی که لازم است پاسخ آن‌ها را در متن جست‌وجو کنند و سؤالات استنباطی که پاسخ آن‌ها مستلزم درک مفهوم و رای متن است. به آن‌ها یاد دهید که برای پاسخ دادن به سؤالات دست خود را بلند کنند. به آن‌ها بگویید چگونه در هنگام تدریس یادداشت‌برداری کنند، چگونه اطلاعات را خلاصه کنند، چگونه اطلاعات مهم را در یک متن بازیابی کنند و چگونه پیش‌بینی کنند.

مفاهیم تأکید کنید. اهداف و انتظارات آموزشی روشن و دست‌یافتنی از دانش‌آموزان داشته باشید و آن را مبنای برنامه‌ریزی و تدریس خود قرار دهید. اهداف هر درس را روی دیوار در معرض دید دانش‌آموزان قرار دهید و برایشان توضیح دهید. دانش‌قبلی دانش‌آموزان برای ورود به درس جدید را تعیین کنید. کلمات مرتبط با درس‌ها را برای یک سال تحصیلی به همراه تعاریفی از آن‌ها، روی دیوار کلاس نصب کنید. در گفت‌وگوهای کلاسی از این کلمات استفاده کنید. هر هفته بیشتر از ۵ کلمه را بررسی نکنید.

تهیه فهرستی از فعالیت‌های

قبل از درس، ضمن درس و تکمیلی

فکر کنید چگونه می‌خواهید درس را شروع کنید. ممکن است از یک داستان کوتاه، یک سؤال، یا یک شعر برای جلب توجه دانش‌آموزان استفاده کنید. فهرستی از فعالیت‌های قبل از درس، ضمن درس و تکمیلی که باید دانش‌آموزان انجام دهند مانند خواندن داستان، انجام آزمایش و تکمیل پروژه تهیه کنید. در هنگام تدوین طرح درس خود موضوعات درسی را در هم تنیده در نظر بگیرید. برای مثال هنگام تدریس تاریخ، یک داستان اجتماعی - تاریخی بخوانید و فعالیت‌هایی را برای سطوح بالای تفکر و یادگیری و فعالیت‌هایی را برای سرگرمی و تفریح در نظر بگیرید. زمانی را برای بحث و گفت‌وگو به جای سخنرانی صرف تعیین کنید. به سبک‌های یادگیری و تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان توجه کنید و براساس آن فرصت‌های یادگیری چالش‌برانگیز را در اختیار آنان قرار دهید.

تهیه و سازماندهی مواد

و رسانه‌های آموزشی

در هنگام طراحی برنامه تدریس، مواد تکمیلی مانند فیلم، داستان و عکس را هم در نظر بگیرید. فهرستی از وسایل مورد نیازتان برای تدریس آماده کنید. از تکنولوژیست آموزشی بخواهید

* منبع

Brenny, Kathleen & Martin, Kandace (2005) **1000 Best New Teacher Survival Secrets**, Published by Sourcebook, Naperville, Illinois